

آورد: شما سپهبد سابق جعفرقلی صدری، شما سرگرد سابق ناصر قوامی، شما سروان سابق قاسم ژیان‌پناه به موجب حکم صادره از طرف دادگاه انقلاب عدل اسلامی به علت ارتکاب جنایات متعدّد و آزار و شکنجه دهها جوان رزمنده... لحظه بعد قامت هر سه نفر بدنبال رگبار آتش بر روی برف افتاد.

نخستین اعدام در مشهد

سلطان رضائی نخستین محکوم دادگاه انقلاب مشهد بامداد روز ۱۹ اسفند ۱۳۵۷ مقابل جوخه آتش قرارگرفت و تیرباران شد وی متهم بود در حوادث چند ماه قبل از پیروزی انقلاب با استفاده از افراد مسلّح و چماقداران، طرفداران انقلاب را مورد هجوم قرار داده است.

سلطان رضائی چند روز قبل از اعدام در پاساژ بازار رضای مشهد در حالی که مشغول خرید کالا بود دستگیر شد و بسرعت مورد محاکمه قرار گرفت و سحرگاه روز ۱۹ اسفند حکم اعدام درباره او اجراگردید.

دوازده اعدام در یک روز

روز ۱۳۵۷/۱۲/۲۱ دادگاه انقلاب جهت رسیدگی به کیفرخواست‌های صادره از طرف دادستان انقلاب علیه ۱۱ نفر از متهمین تشکیل جلسه داد و پس چندین ساعات رسیدگی و مشاوره سرانجام حکم اعدام این افراد صادر و اعلام شد.

۱- سپهبد نادر جهانبانی فرزند سپهبد امان‌الله جهانبانی معاون فرماندهی نیروی زمینی.

۲- سرلشکر محمدولی زندکریمی فرزند نصرت‌الله، رئیس سابق اداره زندان‌ها.

۳- محمودجعفریان فرزند محمد جعفر معاون سابق مدیرعامل سازمان رادیو تلویزیون و مسئول خبرگزاری پارس.

۴- پرویز نیکخواه فرزند سیدحسن مدیر سابق مرکز خبر رادیو تلویزیون.

۵- غلامحسین دانشی فرزند علی نماینده سابق مجلس شورای

ملی. (روحانی)

- ۶- ستوان یکم منوچهر وثوقی فرزند تیمور افسرگارد جاویدان.
- ۷- محمد نوید معروف به «نبوی» فرزند موسی عضو کمیته مشترک ساواک.
- ۸- احمد معصومی کوچصفهانی فرزند سیدباقر بازجوی ساواک.
- ۹- ستوان دوم حسین شه‌کمان فرزند یوسف افسر ضد اطلاعات در شعبه اداره دوم ستاد.
- ۱۰- سرگرد عبدالله منوچهری قشقائی فرمانده تیم ضد تخریب اداره دوم ستاد.
- ۱۱- حسین فرزین فرزند محمد شغل کامیوندار سردسته چماقداران.

صراحت اظهارات نیکخواه

پرویز نیکخواه در هنگام محاکمه اظهار داشت: من می‌خواستم یک رفرم ایجاد کنم و همه شما اعضای دادگاه می‌دانید که دست من چه مستقیم و چه غیرمستقیم به خون هیچ فردی آلوده نشده است من امروز در برابر شما و در برابر دادگاه انقلاب عدل اسلامی اعلام می‌کنم که من هرگز به خلق خدا خیانت نکرده‌ام.

مهندس نیکخواه سوءقصد نافرجام به جان شاه را در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ در کاخ مرمر (دفتر کار شاه) رهبری می‌کرد، دستگیر و به مدت پنج سال در زندان بود که با نوشتن توبه نامه از زندان آزاد گردید، در رادیو تلویزیون مشغول کار شد و به سرپرستی گروه تحقیق در آن اداره برگزیده شد و پیوسته مردم از وی تصویر پرابهام و گنگ در ذهنشان داشتند.

پرویز سالها در انگلیس زندگی می‌کرد سرانجام با کوله باری از تجربیات و مطالعات تئوریک به ایران آمد که برای تحقیق و مطالعه درباره اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور به فعالیت پردازد اما پس از واقعه سوءقصد نافرجام به جان شاه

در کاخ مرمر، که دو نفر از مأمورین مخصوص به نامهای «استوار یکم لشکری» و «استوار یکم بابائیان» و سرباز وظیفه شمس‌آبادی به قتل رسیدند وی نیز با چند نفر دیگر با اظهار ندامت از زندان آزاد گردید و در رادیو تلویزیون مشغول کار شد، کسی که زمانی تصمیم داشت شاه را نابود کند خود در راه خدمت به او قربانی شد. شاه یک بار در تأییدش گفته بود: «پسر سرباهی است.»

نیکخواه درباره دین و مذهب در دادگاه چنین گفت:

«به نظر بنده دین و مذهب در ردیف اعتقادات خصوصی است، و من براساس فلسفی دین اسلام عقیده‌مند نیستم، اصولاً به دین اعتقاد نداشته و خداپرست نیز نیستم.»

دفاع دانشی

دانشی در دفاع از خود اظهار داشت: کسی در بی‌گناهی من کوچکترین تردیدی ندارد، من تا قبل از دستگیر شدن در یک خانه اجاره‌ای در تهران پارس زندگی می‌کردم و از مال دنیا ۵۰۰ هزار تومان وام گرفته‌ام و ۳۰۰ هزار تومان آنرا به بانک بدهکارم و شما می‌دانید که من از مدرسه علمیه قم (دانشی روحانی بود) فارغ‌التحصیل شده‌ام. دانشی گفت: من نمی‌توانستم استعفاء بدهم چون در این صورت ساواک مرا می‌کشت به گروه مخالفین هم نمی‌توانستم نزدیک شوم چرا که دولت خودش گروه مخالفین را مشخص کرده بود و کسی نمی‌توانست به این جمع نمایندگان مخالف اضافه شود.

دانشی لیسانسیه فلسفه از دانشکده الهیات بود و در رشته فقه و علوم اسلامی در قم تحصیل کرده بود. وی قبل از انتخابات مدیریت برنامه‌های مذهبی رادیو و تلویزیون را به عهده داشت و پس از انتخاب به نمایندگی در مجلس شورای ملی این وظیفه را انجام می‌داد.

دانشی در بهمن ماه ۱۳۵۶ هنگام که راهی مجلس بود به ضرب گلوله‌های یک چریک مجروح شد وقتی امام خمینی از نمایندگان خواست از سمت خود استعفا

کنند، اعلام کرد از نمایندگی استعفا نخواهد کرد...

ژنرال چشم آبی

نفر بعدی که در برابر دادگاه انقلاب قرار گرفت، سپهبد نادر جهانبنانی معاون فرمانده نیروی هوایی بود. وی پس از شنیدن کیفرخواست با بیان شمرده چنین گفت: «من کوچکترین دفاعی ندارم و برای مراسم اعدام آماده‌ام.»

جهانبنانی با گفتن این جمله سکوت کرد و لحظه بعد به دستور رئیس دادگاه به خارج راهنمائی شد. سپهبد جهانبنانی، معاون نیروی هوایی و آخرین دبیر کل شورای ورزش ایران بود اتهام که دادگاه به او وارد کرد، داشتن چند اسب سواری و سرمایه گذاری در چند شرکت بود!!

جهانبنانی در روز ۲۴ بهمن به اتفاق یک خانم و یک آقای امریکائی خود را به دفتر مهندس بازرگان معرفی کرده بود.

افسر سابق توده‌ای

محمود جعفریان عضو سازمان نظامی حزب توده بود که در سال ۱۳۳۳ با ۶۰۰ عضو دیگر سازمان به زندان افتاد با گروهی از توأیین تقاضای بخشش کرد و از زندان آزاد شد.

جعفریان در سال ۱۳۴۷ به سمت معاون اداره سازمان رادیو و تلویزیون منصوب شد و سپس به عنوان کارشناس مسایل عربی، سلسله گفتارهایی از او پیرامون مسایل خاورمیانه بویژه خلیج فارس در رادیو و تلویزیون پخش می شد. پس از اندک مدتی به معاونت سازمان رادیو و تلویزیون رسید. بدنبال آن سرپرستی خبرگزاری پارس را به عهده گرفت. جعفریان در دفاع از خود گفت: من یک قربانی هستم نه یک قربانی کننده. تمام همکاران من در رادیو و تلویزیون می دانند. و من شرافتاً و وجداناً هیچ مطلبی را در بازجویی ام مکتوم نگذاشتم من

با یک قلب پاک می‌گوئیم که من همیشه مروج دین اسلام بوده‌ام. این همکاران سابق من می‌دانند حتی دورانی به من می‌گفتند آخوند است.»

دفاع سر لشکر زندکریمی

سر لشکر زندکریمی در دادگاه از خود چنین دفاع کرد: «من یک افسر هستم و تا این لحظه هم در هیچ جنایتی شرکت نداشته‌ام و آنچه که در کیفرخواست آماده رد می‌کنم.» «ولی محمد زندکریمی» در سالهای گذشته رئیس چند کلانتری در تهران بود و قبل رسیدن به ریاست زندان‌ها رئیس اداره آگاهی بود.

کوچصفهانی عضو کمیته مشترک

وی در دفاع از خود گفت: من دارای دانشنامه حقوق از دانشگاه تهران هستم. در سال ۱۳۳۸ در حالی که قصد داشتم قاضی دادگستری بشوم و بدنبال کار می‌گشتم توسط شخصی به نام «فرهنگ سعادت‌مند» تشویق شدم که در ساواک کار کنم، در نتیجه در بخش قضائی به ریاست دکتر فرزین کارم را شروع کردم» او کیفرخواست را که وی را متهم به شکنجه زندانیان متهم ساخت به شدت انکار کرد و گفت: اگر می‌خواهید ببینید که من چه کرده‌ام از آقای آیت‌الله طالقانی پرسید. «و اضافه کرد: با توجه به آنچه پیش آمده من حرفی برای گفتن ندارم و از آنجائی که ایمان دارم دادرسان دادگاه به حق رسیدگی خواهند کرد به دفاع خود پایان می‌دهم.»

متهم در لباس دامادی

منوچهر وثوق افسر گارد در کیفرخواست متهم شده بود که با مردم شمیرانات با خشونت رفتار کرده و حتی مسبب قتل چند نفر شده است. او در دفاع از خود گفت: که مدت هفت سال است که تقاضا داشته به او اجازه ازدواج بدهند و موفق

نشده این اجازه را کسب کند و حالا هم برای این با لباس دامادی در دادگاه حاضر شده است.

کیفرخواست در باره محمدنوید

بنا به کیفرخواست «محمدنوید» معروف به «نبوی» شکنجه‌گر ساواک بوده. محمدنوید با حرارت دفاع می‌کرد و گفت: بنام خلق مسلمان ایران قسم می‌خورم، که آنچه را می‌گویم با واقعیت تطبیق می‌کند. من هرگز شکنجه‌گر نبوده‌ام و هرگز هیچ یک از زندانیان سیاسی را شکنجه نکرده‌ام من کارم در ساواک انعکاس خبرهای شهرستانها بود و در مورد درجه‌داران مسئولیت‌های داشته‌ام اما شکنجه هرگز و بهمین علت حرف برای گفتن ندارم.»

اتهام شرارت

بنا به کیفرخواست «حسین فرزین» سوابق متعددی در شرارت داشته وی در زمانی که در (برازجان) سپاهی دانش بود مرتکب قتل شده و به این اتهام مدت کوتاهی در زندان بوده و سپس آزاد می‌شود و اتهام دیگر وی براه انداختن چماقداران برای سرکوبی مردم بوده است.

اتهام سرگرد قشقائی

سردرد عبدالله منوچهر قشقائی در قسمت تیم ضد تخریب ستاد ارتش سمتی داشته بنا بر کیفرخواست، او عده‌ای را به دادگاه نظامی برده و موجب از هم پاشیدن خانواده عده‌ای از افسران ارتش شده است.

محاكمه يك ستوان دوم

ستوان دوم حسین شه‌کمان فرزند یوسف افسر ضداطلاعات ارتش در شعبه

ضد تخریب بود او در دفاع از خود گفت او مدت کوتاهی بیش نیست که در ارتش بوده و جرمی مرتکب نشده و کاری هم انجام می‌داده طبق دستور مقامات مافوق بوده است.

اعدام ۱۱ محکوم

سحرگاه روز ۲۲ اسفند هر ۱۱ تن محکومین دادگاه انقلاب بعد از قرائت حکم در مقابل جوخه آتش قرار گرفتند. در این هنگام صدای از کسی بر نمی‌آمد تنها سکوت مرگ‌آور بود. که در میدان تیر زندان قصر حکمفرما بود. جوخه اعدام به حال به زانو درآمد و آنگاه آتش... باران گلوله بر تن مجرمان دادگاه انقلاب باریدن گرفت هنوز آفتاب سحرگاهی به تمامی خود را به زندان نرسانده بود که قلب هر ۱۱ محکوم دادگاه انقلاب عدل اسلامی از کار افتاد...

اعدام یک افسر شهربانی

روز ۲۱ اسفند سال ۱۳۵۷ ستوان یکم احمدبهداد افسر شهربانی به اتهام چند فقره قتل و مشارکت به ضرب و جرح مردم همدان که در دادگاه آن شهر بر علیه وی در کیفرخواست آورده شده بود به اعدام محکوم و حکم درباره او اجرا شد.

اعدام در سه شهر

در تاریخ ۲۱ و ۲۲ اسفند ماه سال ۱۳۵۷ دادگاه انقلاب در شهر دزفول به پرونده‌های متهمین رسیدگی کرد. سر تیپ «اکبر غفاریان» فرزند مسیب متهم بود که پس از خروج شاه از ایران وقایع ۲۷ دیماه را بوجود آورد و در دو شهر (دزفول و اندیمشک) بدستور او نظامیان بروی مردم آتش گشودند. ستوان یکم علی زاهدی فرزند اصلان افسر شهربانی متهم بود که «عبدالرحیم دیانتی» را به قتل رسانده است.

سرپاسبان «محمدتقی حاج عبدی» متهم بود که دهها تن از مجاهدین را

شکنجه کرده است. در شوشتر، سروان حیدر جعفرنیا رئیس سابق کلانتری انتظامی متهم بود که در جریان تظاهرات دو نفر را به قتل رسانده است. در شهرستان نهاوند گروهبان حسینی متهم بود در حمله کاماندوها و گاردی‌ها به نهاوند، سربازان گارد به دستور او مردم نهاوند را سرکوب می‌کردند. این پنج تن در دادگاههای این سه شهر به اعدام محکوم و حکم درباره آنها به اجرا درآمد.

اعدام اصغر حمال در قم

حکم اعدام سرپاسبان یکم «علی اصغر حدادی» معروف به (اصغر حمال) ساعت ۲ بامداد روز جمعه ۲۵ اسفند ۱۳۵۷ به اجرا درآمد. متهم پس از جلسات طولانی دادگاه انقلاب قم که با شرکت عده‌ای تماشاچی برگزار شد در کیفرخواست اتهام مهم وی به قتل رساندن یک طلبه در حادثه ۱۹ دیماه در شهر قم بود دادگاه پس از شور وی را مفسد فی الارض شناخت و محکوم به اعدام کرد و حکم دادگاه با حضور عده کمی اجرا شد.

پایان

(جلد اول - دوره دوم)



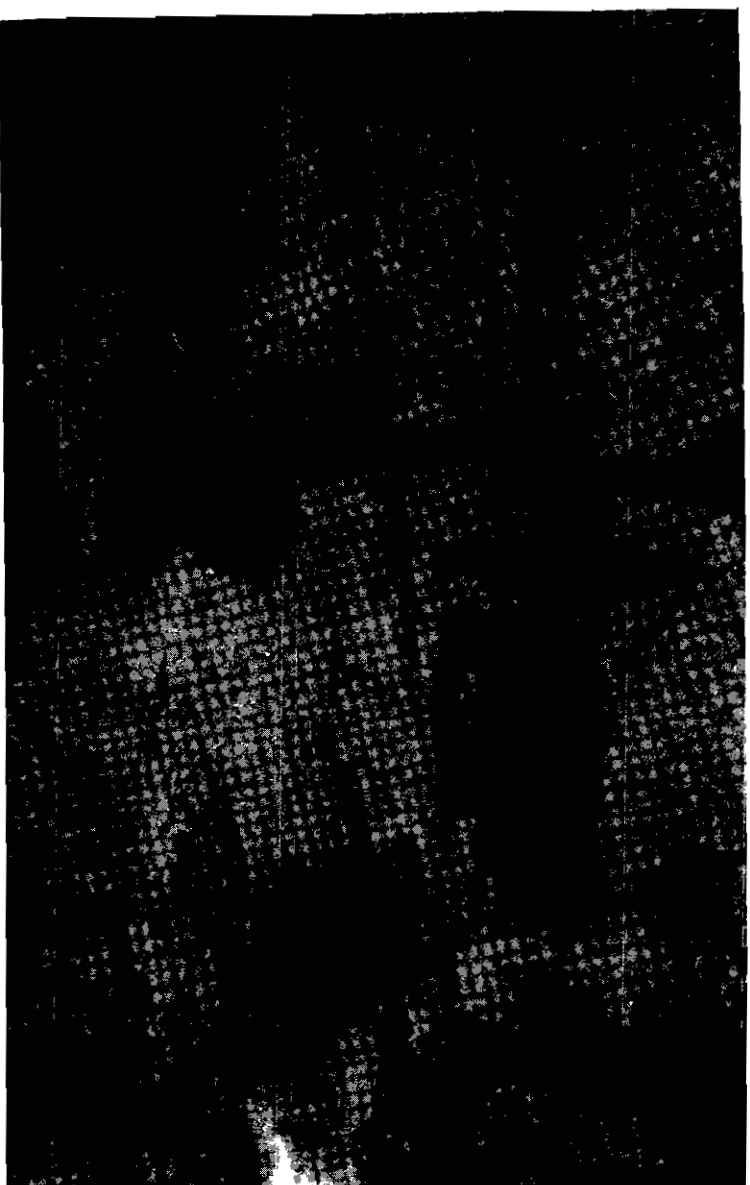
چریک های مسلحی که صورت خود را پوشانده بوده اند. گفته می شد این چریکها
برای یاری دادن به انقلابیون از لبنان آمده بودند .



در گیری شب اول ماه محرم در سرچشمه .



سرانجام مقاومت نظامیان بدون فرمانده (افسرها از پادگانها فرار کرده بودند) در
مقابل گروه های مسلح چریکی به شکست انجامید .



خرمشهر دو روز پس از درگیری اوایل انقلاب که هنوز آرامش کامل نیافته بود .



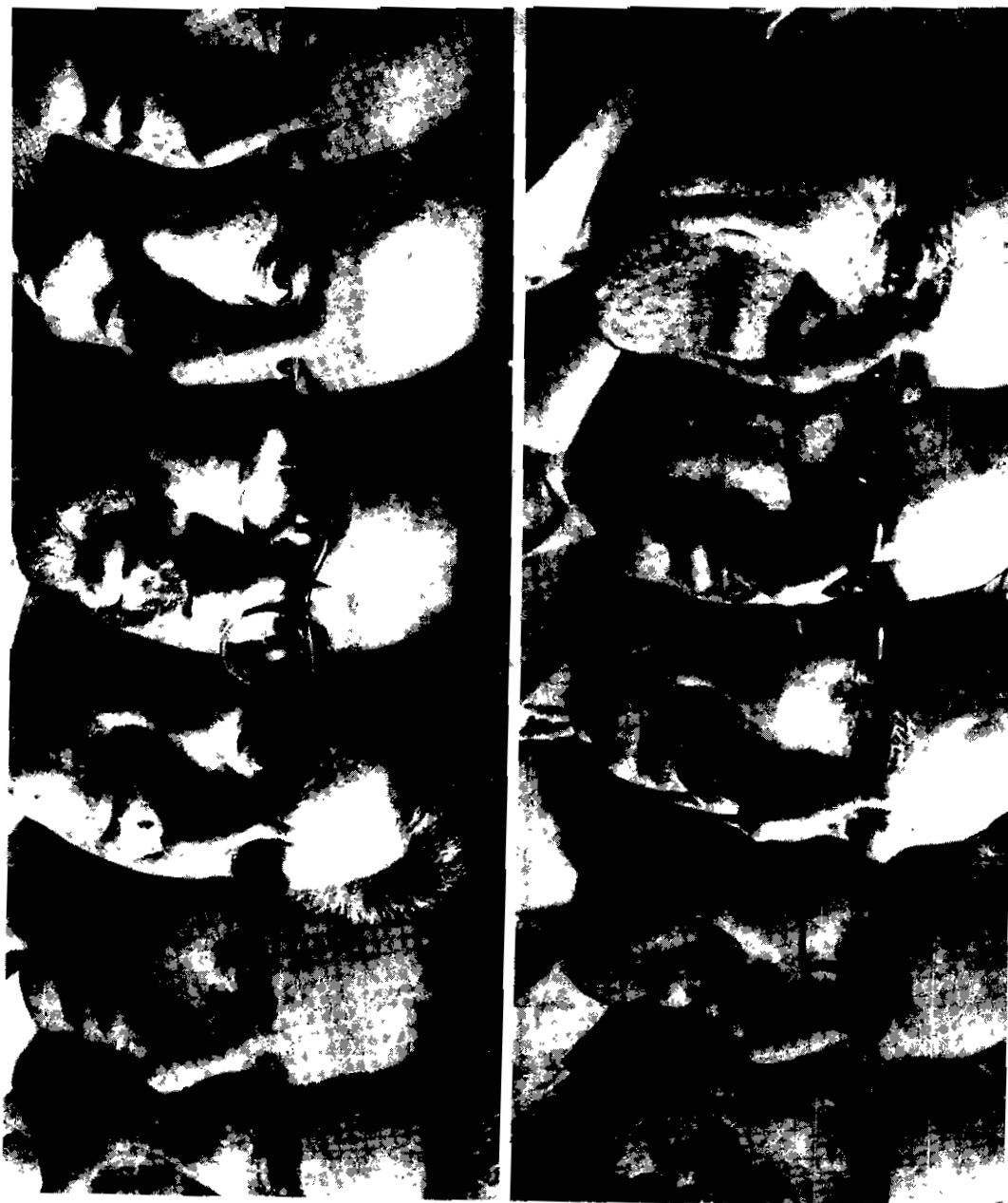
اینها اجساد نظامی هستند که به دست گروههای مسلح به قتل رسیده اند .



اعضای گروه سیاه جامگان به سرپرستی حاج لطفی زیر نظر داریوش فروهر با دیگر گروه های مسلح چریکی به پادگانهای نظامی پایتخت حمله کردند و به نوشته مجله جوان در این حمله هزاران سرباز ایرانی به قتل رسیدند .



مهندس مهدی بازرگان پس از دریافت فرمان برای تشکیل کابینه از امام خمینی ، بطور محرمانه با بعضی از مقامات برجسته ارتش تماس گرفت و آنها را به همبستگی با انقلاب تشویق کرد . مهندس بازرگان به آنها قول داده بود که کسی مزاحم آنها نشده و باز در پست های حساس و مهم ارتش مشغول کار خواهند شد. این مقامات ارتشی عبارت بود از : ۱_ سپهبد ربیعی فرمانده نیروی هوایی ۲_ سپهبد مقدم رئیس اداره ساواک و معاون نخست وزیر ۳_ سرلشکر نشاط فرمانده تیپ گارد جاویدان ۴_ ارتشبد قره باغی رئیس ستاد مشترک ارتش ۵_ ارتشبد فردوست نزدیکترین شخص به شاه و دوست و مشاور وی ۶_ سرلشکر محمد جواد مولوی رئیس پلیس تهران ۷_ سرهنگ کیخسرو نصرتی رئیس ستاد پلیس تهران ۸_ دریادار مجیدی معاون فرمانده نیروی دریائی ارتش . با وجود همکاری های آنها برای پیشبرد انقلاب ، این ۴ امیر ارتش به جوخه اعدام سپرده شدند : ۱_ سپهبد ربیعی ۲_ سپهبد مقدم ۳_ سرلشکر نشاط ۴_ سرلشکر جواد مولوی و ... پس از اعترافات فردوست اعلام شد که وی بر اثر بیماری قلبی درگذشت !!



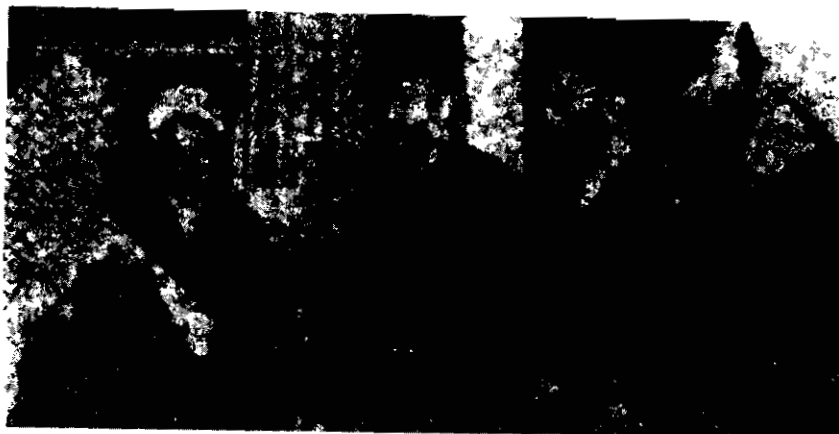
مهندس بازرگان و اعضای کابینه اش .





ياسر عرفات در مسافرت به ايران پس از پيروزي انقلاب ، با امام خميني و سران انقلاب ملاقاتهاي انجام داد . دولت جمهوري اسلامي ۲۰۰ ميليون دلار به خاطر ياري رساندن مبارزان فلسطين در پيشبرد انقلاب به رهبري فلسطين کمک مالي کرد .

آیت الله بهشتی ، آیت الله خامنه ای و آیت الله هاشمی رفسنجانی با یاسر عرفات ملاقات کردند .



دیدار بنی صدر با یاسر عرفات .



مسعود رجوی در ملاقات با یاسر عرفات به وی گفت : بکارگیری سلاح را شما به

.....



ارتشبد نصیری چند لحظه قبل از اعدام .



سرلشکر ناجی

سپهبد مهدی رحیمی

سرلشکر خسرو داد

(چند لحظه قبل از اعدام)



سپهبد امیر حسین ربیعی فرمانده نیروی هوایی و منوچهر آزمون از وزرای کابینه
امیر عباس هویدا در آخرین لحظات زندگی .



این جا اتاق مطالعه امیر عباس هویدا نخست وزیر اسبق ایران بود !!



امیر عباس هویدا نخست وزیر اسبق ایران هنگام تقدیم بودجه سالیانه کشور به مهندس ریاضی رئیس مجلس شورای ملی .



سرتیپ منوچهر ملک ، سرتیپ نعمت الله معتمدی ، سرلشکر امین افشار .



اعدام بدون محاکمه توسط دو چریک مسلح .



امیر عباس هویدا در حال دفاع از خود در دادگاه انقلاب اسلامی. گفته می‌شود روحانی که کنار وی نشسته بود را به قتل رسانده است.



امیر عباس هویدا پس از قتل .



این خانم که امروز شغل مهمی دارد ، در تحویل گرفتن سفارت آمریکا از ماشاء الله قصاب ، نقشی اساسی داشت . ساکنین آپارتمان های مقابل سفارت آمریکا ، اظهار می داشتند ، چند ماهی که سفارت در اختیار ماشاء الله قصاب قرار داشت ، شب هنگام که هوا تاریک می شد کامیونها سرپوشیده وسایلی از داخل سفارت به بیرون انتقال می دادند . همسایه های محلی سفارت متفق القول اظهار می داشتند : ... سفارت توسط ماشاء الله قصاب خالی شده بود ، معلوم نیست وقتی سفارت در اختیار دانشجویان خط امام قرار گرفت ، چرا این همه اسناد و مدارک را کارکنان سفارت از آنجا خارج نکرده بودند که بدست دانشجویان افتاد !!

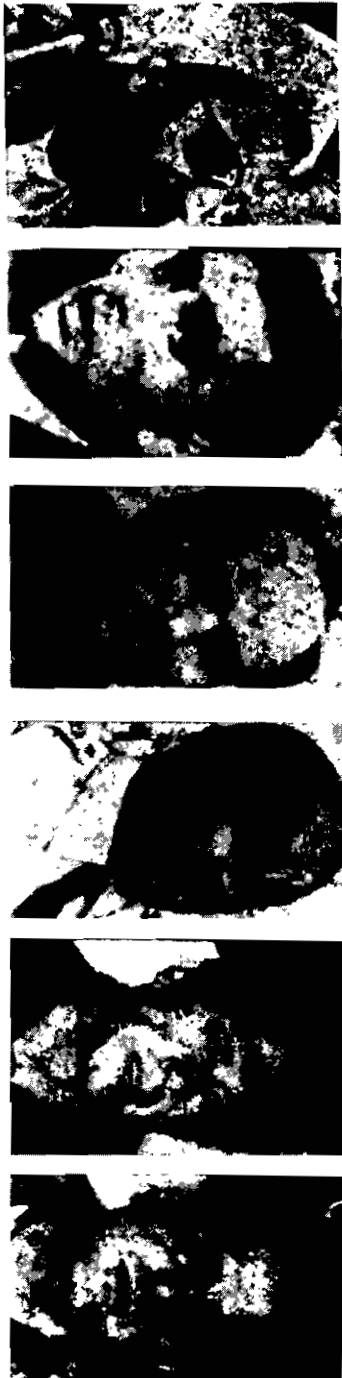
موضوع بعدی حکایت از آن داشت که اعضای سفارت اطلاع یافته بودند که بزودی سفارت اشغال خواهد شد ، با کمک ماشاء الله قصاب چند تن از شخصیت های مهم آمریکایی به سفارت کانادا منتقل شدند و از آنجا بدون مانع ایران را ترک کردند. سفیر سابق انگلیس در ایران به دوست ایرانی خود در لندن گفته بود : « ایرانی ها با اشغال سفارت آمریکا مرتکب اشتباه بزرگی شدند » وی بر این باور بوده که این عمل ایرانی ها ، جنگ عراق و ایران را بوجود آورد که محرک حمله عراق به ایران دولت آمریکا بود و اگر ایرانی ها کارکنان سفارت را مثل هزاران کارشناس و مستشار آن کشور بی سر و صدا از ایران اخراج می کردند این جنگ هشت ساله اتفاق نمی افتاد و میلیاردها دلار ایران در بانک های آمریکا بلوکه نمی شد ، دولت ایران را تحریم اقتصادی نمی کرد و ملت ایران در سطح جهان بنام یک کشور تروریست معرفی نمی شد ...!!



جنازه چهار نفر از اعدام شدگان گروه اول در پزشک قانونی .



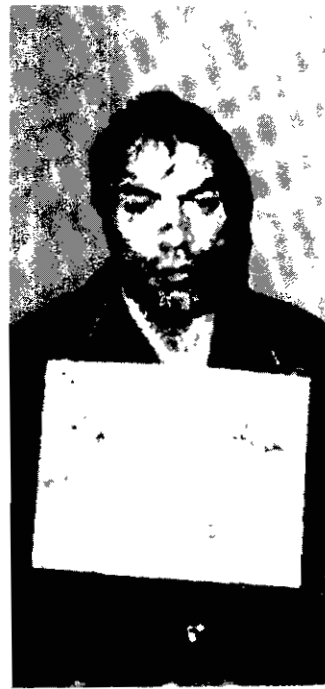
منوچهر آزمون یکی از وزرای دوران شاه، سرلشکر پاکروان رئیس ساواک در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، سپهبد ناصر مقدم آخرین رئیس ساواک دوران شاه، سپهبد تیمور بختیار بنیان گذار اداره ساواک که در عراق توسط مأمورین نفوذی ساواک ترور شد، منصور روحانی وزیر آب و برق کابینه امیر عباس هویدا، نیک پی شهردار اسبق پایتخت (سناتور بعدی)، عباسعلی خلعتبری وزیر خارجه هویدا، ارتشبد نصیری سومین رئیس ساواک، مهندس ریاضی رئیس مجلس شورای ملی.



محاكمه این ۴ نفر چهار ساعت بیشتر وقت دارگاه انقلاب اسلامی را نگرفت و پس از صدور حکم اعدام بلافاصله تیر باران شدند .



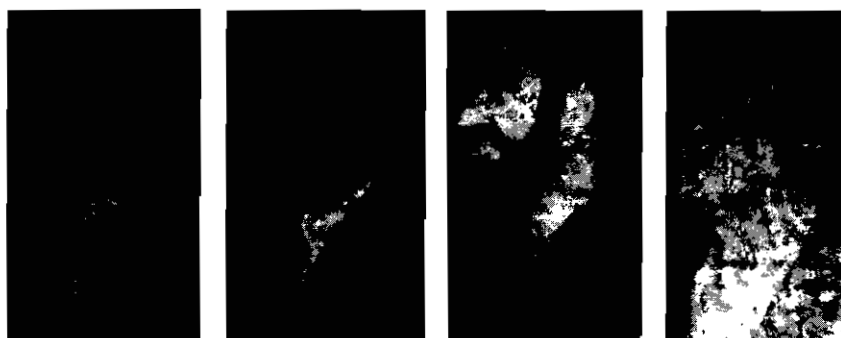
سالار جاف نماینده مجلس ، سپهبد فخر مدرس و سپهبد خواجه نوری .



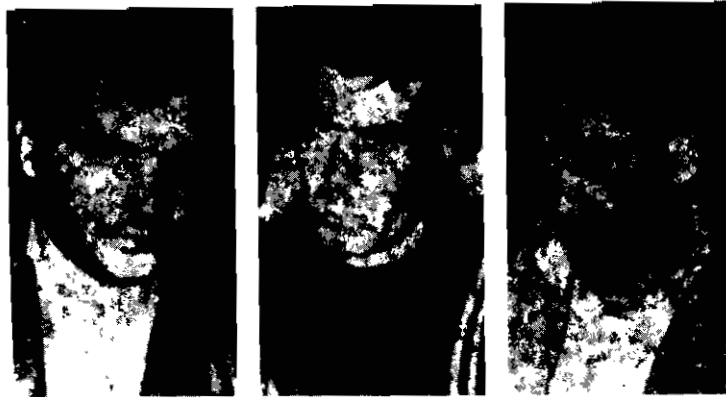
این ۶ نفر به اتهام همکاری با رژیم شاه در دادگاه عدل جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده و چند لحظه بعد به جوخه اعدام سپرده شدند.



عباسعلی خلعتبری وزیر خارجه ، مهندس عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی، منصور روحانی وزیر آب و برق ، سپهد بازنشسته محمد تقی مجیدی رئیس دادگاه اعضای فدائیان اسلام و نیک پی شهردار اسبق پایتخت (سناتور بعدی) در دادگاه انقلاب اسلامی .



این عده پس از محاکمه بدون اینکه وکیل مدافع داشته باشند دادگاه انقلاب آنها را محکوم به مرگ کرد و همگی اعدام شدند .



در آغاز پیروزی انقلاب متهمین حق انتخاب وکیل و حتی تقاضای فرجام نداشتند .
اغلب به اتهام محاربه با خدا و خلق خدا توسط دادگاه انقلاب اسلامی مفسد
فی الارض شناخته شده و چند ساعت پس از صدور حکم ، اعدام می شدند .